



پروردگار عالم زمینه را برای بهشت ما فراهم کرده است

پروردگار عالم زمینه برای بهشت ما فراهم کرده است هم در درون ما و هم در برون ما. مائیم که باید از لطف خدا و از نعمت‌های خدا استفاده کنیم و بهشتی شویم.

پروردگار عالم زمینه برای بهشت ما فراهم کرده است هم در درون ما و هم در برون ما. مائیم که باید از لطف خدا و از نعمت‌های خدا استفاده کنیم و بهشتی شویم.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله حسین مظاهری در شانزدهمین جلسه درس اخلاق امسال خود مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می آید.

بحث امسال ما درباره جبر و تفویض بود. از بحث استفاده کردیم که ما مختاریم. اگر بهشتی شدیم با اختیار خود بهشتی می‌شویم و اگر جهنمی شدیم، با اختیار خود جهنمی می‌شویم. پروردگار عالم زمینه را برای بهشت ما فراهم کرده است، هم در درون ما و هم در برون ما. مائیم که باید از لطف خدا و از نعمت‌های خدا استفاده کنیم و بهشتی شویم: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» [۱]

فهمیدیم که مثلاً اگر ما الان در این مسجد آمدیم با اختیار خود آمده‌ایم و کسی ما را نیاورده است. الان که در جلسه نشسته‌ایم با اختیار خود نشسته‌ایم و کسی ما را ننشاند است. کسانی هم که العیاذبالله روزه می‌خورند و در جاهایی که حرام است، می‌نشینند و می‌روند، خود می‌روند و کسی آنها را مجبور نکرده است. شما که ان‌شاءالله بهشتی هستید با اختیار خود است و آنها هم که جهنمی هستند با اختیار خودشان است. چیزی که باید توجه داشته باشیم، اینکه همین اختیار را خدا داده است. همین انتخاب یکی از نعمت‌های بزرگ خداست و ما با اختیار خودمان بخواهیم بهشتی شویم، زمینه‌هایی می‌خواهد و آن زمینه‌ها هم از خداست. کم‌کم بحث ما رسید به اینجا که شش چیز هست که در سرنوشت ما تأثیر بسزایی دارد. این شش مورد هم در سعادت ما و هم در شقاوت ما مؤثر است.

یکی از آنها قانون وراثت بود و یکی انتخاب رفیق خوب یا رفیق بد بود و یکی هم انتخاب محیط بود. این یک ماهه در این سه قانون صحبت کردم. بحث امروزمان که مهمترین بحث‌هاست و از آن بحث قانون وراثت و همنشین خوب یا بد و از آن محیط آلوده یا محیط مقدس، مهمتر است. بحث امروزمان از آن سه قانون مهمتر است و سرنوشت حسابی در انتخاب ما دارد. ما را مجبور نمی‌کند، اما زمینه‌ساز است برای سعادت ما یا برای شقاوت ما. و آن قانون تغذیه است. اینکه در میان مردم مشهور است به کسی که بد درآمده می‌گویند لقمه حرام، این یک واقعیت است. مثل ولد حیض و ولد زنا، که در سرنوشت انسان فوق‌العاده اهمیتی دارد، لقمه حرام هم اینطور است. در شقاوت خود انسان و در شقاوت زن و بچه انسان تأثیر بسزایی دارد.

برعکس، لقمه حلال و اینکه انسان کار و تلاش و کوشش کند از راه حلال بتواند مخارج خود و زن و بچه را اداره کند، این روزی حلال تأثیر فوق‌العاده در سعادت انسان دارد و عمر خود و زن و بچه را پربرکت می‌کند و انسان را عاقبت‌به‌خیر می‌کند و بچه‌ها عاقبت‌به‌خیر می‌شوند؛ و بالاخره زمینه‌ساز برای سعادت است. آنکه از راه حرام چیزی به دست می‌آورد، اینطور نیست که مجبور است به جهنم رود یا مجبور است شقاوت‌مند شود، اما تهیه غذای حرام که خود بخورد یا بچه‌ها بخورند، تأثیر فراوانی در سرنوشت بچه‌ها و در سرنوشت خودش دارد. لذا قرآن و روایات اهل‌بیت (ع) روی این غذای حرام یا غذای حلال خیلی صحبت کرده است. اگر کسی لاابالی در حق‌التاس باشد و از مال مردم استفاده کند، مال یا کسب او حرام است و یا غش در معامله دارد و یا مال مردم‌خوری دارد و یا دزدی دارد و بالاخره مالش حرام است، بداند که عاقبت‌به‌خیر نمی‌شود.

مگر اینکه دست بردارد و توبه کند و جبران کند و الا اگر توبه نکند و جبران نکند، عاقبت‌به‌خیر نمی‌شود؛ اما مهمتر اینکه بچه‌هایش هم عاقبت‌به‌خیر نمی‌شوند. زمینه برای جهنم رفتن بچه‌ها فراهم می‌شود. لذا در روایات می‌خوانیم در روز قیامت آن کسی که غذای حرام به زن و بچه‌اش داده است و زن و بچه واجب‌النفقة بودند و باید مخارج زن و بچه را می‌داده، حال اگر از راه حرام بوده، در روز قیامت زن و بچه از دست او شکایت می‌کنند که خدایا زمینه شقاوت را این برای ما فراهم کرد. باید غذای حلال می‌داده و نداده و غذای حرام داده و زمینه برای شقاوت ما درست شد، خدایا! بازخواست ما را از او بگیر. و از دعاهایی که در روز قیامت مستجاب می‌شود، همین است. چنان‌که اگر تلاش و کوشش و تهیه غذای حلال برای زن و بچه کند و این زن و بچه رو به سعادت و خوشبختی افتادند، در روز قیامت زن و بچه به او دعا می‌کنند و از کسانی که شفاعت می‌کنند همین‌ها هستند.

قرآن در این باره می‌فرماید خودش و بچه‌هایش بهشتی می‌شوند. لذا علاوه بر اینکه در روز قیامت کسی که لایبالی است و غذای حرام به زن و بچه داده است و مورد نفرین زن و بچه واقع می‌شوند خودش هم عاقبت به‌خیر نخواهد شد. به تجربه اثبات شده بچه‌ها که لقمه حرام هستند، سعادتشان مشکل است و تقصیر پدر است که پدر باید غذای حلال به اینها بدهد و غذای حرام به آنها داده و در سرنوشت این بچه‌ها تأثیر داشته و در عفت خانم و در تقوای خانم تأثیر داشته و غذای حرامش موجب می‌شود عده‌ای را بدبخت کند و غذای حلالش موجب می‌شود عده‌ای را خوشبخت کند.

قرآن غذای حرام را آتش می‌داند و اگر کسی چشم بینا داشته باشد، این غذای حرام را می‌بیند که آتش است و می‌خورد. این چشم بینا می‌خواهد و این چشم در آخرت بینا می‌شود: «فَكشَقْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» [۲]

می‌بیند از درون این کسی که غذای حرام خورده آتش مثل تنور از دهان و چشم و گوشش شعله‌ور است. چنان‌که آن کسی که مقید بوده و کار کرده و گوشش حلال کرده است، علاوه بر اینکه عاقبت به‌خیر می‌شود و علاوه بر اینکه دهانش در قیامت بوی عطر می‌دهد و علاوه بر همه اینها، ثواب جبهه هم دارد.

راجع به زن و شوهر هر دو روایت داریم. اگر زنی تلاش و کوشش کند برای اینکه شوهرش و بچه‌هایش در رفاه باشند، یعنی خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری کند، ثواب جهاد دارد.

پیغمبر اکرم(ص) با اصحاب رد می‌شدند و خانمی جلو آمد و گفت من پیغامی از همه زن‌ها دارم و پیغام اینست که چرا شما بین زن و مرد تبعیض قائل شدید؟ پیغمبر فرمودند تبعیض در اسلام نیست. تفاوت هست، اما تبعیض نیست و اسلام حق هرکسی را داده است. فرمودند کجا اسلام تبعیض قائل شده؟ آن زن گفت خیلی از عبادات برای مردها هست و برای زن‌ها نیست و من جمله جبهه. مثل اینکه اینها شوق جبهه داشتند و پیغمبر اکرم(ص) می‌فرمود جبهه برای مردهاست و خانم‌ها نباید به جبهه روند و زن‌ها اعتراض کرده بودند. پیغمبر اکرم(ص) خوشحال شدند و فرمودند بارک الله با این سوالت و جوابش هم اینست که: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»؛ زن بتواند شوهرداری کند و خانه داری کند و بتواند بچه‌داری کند و بچه صالح و شایسته تحویل جامعه دهد، این در خانه است اما پروردگار عالم به او ثواب جبهه می‌دهد یعنی مثل اینست که در خط مقدم جبهه برای اسلام عزیز بجنگد. [۳]

راجع به مردها نیز مشابه همین روایت را داریم: «الكَأُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» [۴]

هر که زحمت بکشد برای اینکه زن و بچه‌اش در رفاه باشد و در هوای گرم کار می‌کند و با زبان روزه تلاش می‌کند و این تلاش و کوشش برای اینکه مخارجی درآورد که زن و بچه‌اش در رفاه باشند، مثل کسی است که در جبهه باشد و عاقبت به‌خیر می‌شود. چنان‌که اگر تلاش و کوشش نکند و زن و بچه در مضیقه باشند، گیر است. زیرا واجب‌النفقه هستند و یک واجب را ترک کرده است؛ اما بدتر از این اینکه در راه حرام تلاش و کوشش کند و پول درآورد از راه ربا و رشوه و حیف و میل و دزدی و خیانت و غش در معامله و گرانفروشی و بالاخره از راهی که اسلام نمی‌پسندد، این علاوه بر اینکه جبهه ندارد، راه جهنم را در پیش گرفته و می‌رود. روز قیامت هم زن و بچه از دست او داد و فریادشان بلند است و شکایت زن و بچه از دست او که به ما حرام داد و عاقبت به‌خیر هم نخواهد شد. یعنی خودش هم جهنمی می‌شود. قرآن می‌فرماید مثل تنور که آتش از آن گل می‌زند و شعله‌ور است، آدمی که حرام بخورد، اینگونه است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» [۵]

گفتم کسانی که چشم بصیرت دارند و چشمی غیر از این چشم ما، یعنی چشم آدمیت دارند، این آتش را می‌بینند. اما در روز قیامت همه چشم‌ها تیزبین می‌شود و معنویت رو می‌افتد و کسی که حرام‌خور و حرام‌درآور باشد، آتش از دهان و چشم و گوش او و بینی او بیرون می‌آید و با این حال به صف محشر می‌آید. قرآن می‌فرماید: «وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا»، او را بعد از حساب و کتاب در جهنم پرت می‌کنند.

حرام خوردن یا حرام درآوردن و کسب حرام خیلی مشکل است و خیلی باید مواظب باشیم. اتفاقاً پیدا کردن غذای حلال نیز کار بسیار مشکلی است. امام صادق «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید: «مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ» [۶]

انسان در خط مقدم جبهه شمشیرزنی کند، آسانتر است از اینکه بتواند حلال به دست آورد برای خود و زن و بچه‌اش. همیشه چنین بوده است و الان که وامصیبتاست. حیف و میل‌ها و دزدی‌ها و تقلب و حقه‌بازی‌ها و رشوه‌ها هست و اصلاً کسب ما روی ربا خوردن و ربادادن می‌گردد. زمان امام صادق «سلام‌الله‌علیه» بوده که فرمودند: «مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ» و الان خیلی مشکل است؛ اما همین که خیلی مشکل است، نمی‌توان گفت که نمی‌شود، بلکه باید بشود. غذای حرام انسان را از همه چیز باز می‌دارد. حال پای منبر نشستن و مسجد رفتن و حال نماز شب خواندن ندارند. چرا بچه‌های ما حال نماز

ندارند، باید در زندگی خودمان فکر کنیم و ببینیم که وضع ما چگونه است و آیا تقصیر داریم یا نه.

این بدحجابی‌ها از دخترها چرا باید چنین باشد و از کجا سرچشمه گرفته است؟ وای به غذای حرام! وقتی غذا حرام شد، چادر پاره می‌شود و لختی‌گری مشهور می‌شود. وقتی غذا شبهه‌ناک شد، بچه‌ها حال نماز شب که ندارند، حال نماز صبح هم ندارند. کار هم خیلی مشکل است.

چهارده معصوم (ع) از بیت‌المال استفاده نمی‌کردند. خود پیغمبر اکرم (ص) استفاده نمی‌کردند و امیرالمؤمنین (ع) در آن پنج سال حکومت یک غذا از بیت‌المال نخورد. یک نان جو و ماست ترشی تهیه می‌کرد و افطارش همین بود و زندگیش همین بود و از دست مبارک خودش بود.

امیرالمؤمنین (ع) بیست و شش مزرعه برای مردم بنا کرده و یک مزرعه برای خودش بوده و در آن جو می‌کاشتند و این غذای سالیانه امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» بوده است. بالاخره اینها از بیت‌المال استفاده نمی‌کردند. راوی می‌گوید در هوای گرم دیدم امام باقر (ع) با شخصی که دست ایشان را گرفته و عرق می‌ریزند و برای رعیتی کردن می‌روند. این جلو آمد و گفت چرا استراحت نمی‌کنید؟ مرتب از این حرف‌های نامربوط زد. امام باقر (ع) فرمودند می‌خواهم با دست خودم غذا و مخارج خود و زن و بچه‌ام را اداره کنم. [۷]

حال قضیه‌ای که می‌گویم اینست که مصادف آدم خوبی است و در اول غلام بوده و در دستگاه امام صادق (ع) آمده و امام صادق (ع) او را آزاد کرده و تابع امام صادق (ع) است و مسجد و کسب و کارش خوب بود. آقا امام صادق (ع) او را خواستند و فرمودند من می‌خواهم تجارت کنم و خودم نمی‌توانم و می‌خواهم مضاربه کنم و مثلاً دو میلیون به این آقا دادند و گفتند برای من کار کن. هرچه استفاده کردی نصف از تو و نصف از من باشد. این آقا تصمیم گرفت هرچه درآمد داشت به امام صادق (ع) بدهد و برای خودش هیچ چیز برندارد. از مدینه به شام آمد و نرسیده به شام قافله‌ای از شام می‌آمد، از آن قافله پرسید این جنسی که ما داریم در آنجا وضعش چگونه است؟ گفتند خوب و گرم است و کساد نیست. این قافله تصمیم گرفت هرچه خریده است دو برابر بفروشد.

بالاخره به شام آمدند و اتفاقاً حرف آن قافله درست بود و جنس آنها حسابی خریدار داشت و اینها دو برابر فروختند. تقلب و حقه بازی هم نکردند بلکه گفتند دو برابر می‌فروشیم. بالاخره جنس را فروخت و مثلاً چهارمیلیون پیدا کرد و خیلی خوشحال شد و گفت الحمدلله برای امام صادق (ع) کاسی کردیم و جنس هم خریدار داشت و توانستیم برای امام صادق (ع) کسب درآمدی کنیم. چهارمیلیون را خدمت امام صادق (ع) آورد و آقا امام صادق (ع) پرسیدند این کجا بوده است؟ گفت جنس‌ها را دو برابر فروختم و دو میلیون شما چهار میلیون شده و از اول تصمیم داشتیم که خودم هیچ برندارم و همه را خدمت شما بدهم.

آقا امام صادق (ع) خیلی ناراحت شدند و دو میلیون خودشان را برداشت و آن دو میلیون را به او دادند و فرمودند این پول‌ها به درد ما نمی‌خورد. بعد امام صادق (ع) جمله‌ای دارند و فرمودند: «مُجَادِلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَتَالِ».

آدم در جبهه شمشیربازی کند، آسانتر است از اینکه بتواند پول حلال درآورد و خرج و مخارج حلال باشد.

کسب حلال بوده، اما گرانفروشی کرده است؛ وامصیبتا اگر تقلب و حقه‌بازی باشد.

پیغمبر اکرم (ص) رد می‌شدند و میوه‌فروشی داد می‌زد که میوه دارم. پیغمبر اکرم (ص) نگاهی به میوه‌ها کردند و دیدند زرق و برق خوبی دارد. جلو رفتند و شاید می‌خواستند میوه بخرند. پیغمبر اکرم (ص) دیدند که روی میوه‌ها آب پاشیده برای اینکه زرق و برق پیدا کند. پیغمبر عصبانی شدند و فرمودند چرا می‌خواهی مردم را گول بزنی. شما الان می‌توانید در این شهر یک صندوق میوه پیدا کنید که زیر و رو نداشته باشد. پیغمبر فرمودند این زیر و رو از چیست و چرا اینطور کردی؟ گفت یا رسول الله! من نکردم، باران آمد و این زرق و برق از باران است. پیغمبر فرمودند چرا برهم نزدی. بعد پیغمبر اکرم (ص) جمله‌ای دارد که جمله کمرشکن است. فرمودند: «مَنْ عَشَتَا فَلَيْسَ مِنَّا» [۸]

اگر کسی شخص دیگری را فریب دهد، مسلمان نیست. یعنی مسلمان عملی نیست. باید مسلمان عملی باشیم و الا اگر مسلمان عقیدتی و زبانی باشیم و مسلمان عملی نباشیم، اسمش را مسلمان آبکی می‌گذارند. مسلمان و غش در معامله! مسلمان و دزدی و حیف و میل! مسلمان و رشوه خواری! مسلمان و رباخواری!

قرآن می‌فرماید اول جنگ با خداست. با خدا اعلام کن خدایا با تو جنگ دارم و بعد ربا بخور: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» [۹]

متأسفانه الان اقتصاد ما روی ربا و اداره‌های ما روی رشوه و پارتی‌بازی و بازار ما روی گرانفروشی و غش در معامله و روی زیر و رو بودن معامله‌ها و امثال اینها می‌گردد. مسلمان باید صاف باشد و با صداقت و با صمیمیت باشد. زن و شوهر با هم همین است و پدر و مادر و دختر و پسر همین است و بیگانه و همسایه همین است و بازار و غیر بازار همین است و باید با صفا و صمیمیت و صداقت باشند و هرکه اینطور نباشد مسلمان عملی نیست. لذا در قرآن اطلاق کفر بر این شده است. از نظر عقیده کافر نیست و از نظر شعار و زبان کافر نیست، پس این کفری که قرآن روی اینها دارد، کفر عملی است.

بارها گفتیم الحمدلله همه ما از نظر عقیده خوبیم و الحمدلله از نظر شعار خوبیم و بالاخره اظهار محبت به اهل بیت ما بالاست اما از نظر عمل لنگیم و آنگاه شیعه آبکی می‌شود. و این شیعه آبکی مالش برکت ندارد و عمرش برکت ندارد. یک زندگی توأم با فقر به معنای احتیاج و یک زندگی تلخ و یک زندگی توأم با نگرانی و چه کنم چه کنم دارد برای اینکه شیعه واقعی و مسلمان واقعی کسی است که عملش به عقیده‌اش بخورد و شعارش بخورد و شعارش به هردو بخورد.

بحث ناراحت کننده است برای اینکه همه در آن لنگیم. حال موقع افطار بگوید «اللهم لك صمت و علی رزقک افطرت»، اگر این شبهه‌ناک و حرام باشد، دروغ گفته است و این علی رزق شیطان است؛ اما اگر نگوئیم نمی‌شود و بگوئیم هم نمی‌شود و به قول شاعر در دل بگذاریم دل می‌سوزد و به زبان بگوئیم زبان می‌سوزد. و بحث امروز بحث مشکلی است. تقاضا دارم از همه شما یکی از دعاهایتان این چند شب موقع افطار همین باشد که خدایا غذای حلال که شبهه‌ناک نباشد به من بده. خدایا توفیق حلال صددرصد بده و خدایا لأقل توفیق بده غذای حلال ظاهری باشد، که اگر این هم نباشد، مشکل است.

.....

پانوشتها،

[۱]. الإنسان، ۳: «ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار.»

[۲]. ق، ۲۲: «و [لی] ما پرده‌ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.»

[۳]. ر. ک: الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۱۵۳.

[۴]. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

[۵]. النساء، ۱۰: «در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند.»

[۶]. الکافی، ج ۵، ص ۱۶۲.

[۷]. الکافی، ج ۵، ص ۷۳.

[۸]. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۷۹ تا ۲۸۴.

[۹]. البقرة ۲۷۹: «و اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی.»